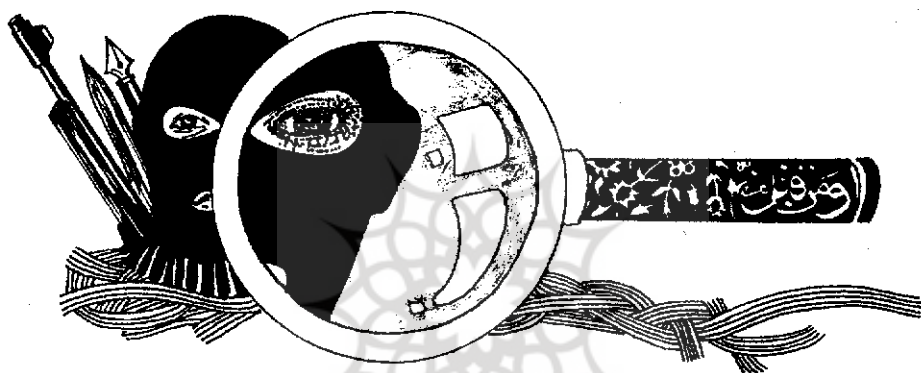


ترور و اسلام از نگاه فقه



«ترور» واژه‌ای هراس‌انگیز و نفرت‌زاست. با شنیدن واژه «ترور» فهرستی بلند از انواع مختلف خشونت‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها به ذهن تداعی می‌کند. ترور به معنی مصطلح خود دیربازی نیست که در قاموس لغات بشری راه یافته است، اما در همین مدت کوتاه آن چنان وجدان بشری را جریحه‌دار کرده است که همه انسان‌ها در محکوم کردن آن هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهند.

اجماع بین‌المللی در محکومیت تروریسم باعث سوءاستفاده عده‌ای از آن شده است.

یکی از اقدام‌های تروریستی که بیش از پیش وجدان بشری را جریحه‌دار کرد، حادثه دلخراش ۱۱ سپتامبر در آمریکا بود. پس از این حادثه بود که جامعه جهانی مصمم شد که با این پدیده پلید که امنیت جامعه‌های بشری را به مخاطره انداخته است، مبارزه‌ای همه‌جانبه کند. از آن‌جا که متهم

حجة الاسلام دکتر یعقوب‌علی برجی



مجموعه علمی تخصصی

اصلی این حادثه شخصی بود که نام مسلمان برخورد نهاده بود، انگشت اتهام به سوی اسلام و مسلمانان نشانه رفت و مبارزه با ترور بهانه‌ای شد برای تسویه حساب با جهان اسلام. تبلیغات گسترده‌ای را بنگاه‌های خبری، مطبوعات، رسانه‌های امپریالیستی علیه اسلام و مسلمانان آغاز کردند. تنها در سایت اینترنتی کتابفروشی آمازون، بیش از ۱۵۰۰ کتاب درباره ترور ثبت شده است که بخش مهمی از این آثار درباره تروریسم بودن اسلام و مسلمانان است. سایت جست‌جوگر گوگل سه میلیون صفحه مطلب درباره تروریسم را روی اینترنت نشان می‌دهد. کتاب‌هایی از قبیل: "ترور به خاطر خدا"، "ترور به نام اسلام"، "دین صلح یا دین ترور"، "ترور مقدس"، "حقیقت دنیای تروریسم اسلامی"، "اسلام تندرو به آمریکا رسید"، "جهاد؛ داستان اسلام سیاسی"، "جهاد در غرب"، "جهاد جنگ جهانی ۲۰۳۶"، "قطب جنگ و جهاد"، "اسلام افراطی" و... تنها بخش کوچکی از این مجموعه کتاب‌هاست.

مسلمانان سراسر دنیا همگی حادثه ۱۱ سپتامبر را محکوم کردند و بنیان این ترور شرم‌آور را با اسلام و مسلمانان بیگانه معرفی کردند، اما در این مدت پژوهشی مستقل که دیدگاه اسلام را به‌طور مستند و علمی درباره محدوده استفاده از خشونت و احکام فقهی مبارزه با ترور را بیان کند، عرضه نکرده‌اند.

در این پژوهش، کوشیده‌ایم گامی هرچند کوچک در این باره برداریم. در این پژوهش سعی شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

ترور و تروریسم چیست؟

چه تفاوتی میان ترور و دفاع مشروع وجود دارد؟

انواع و اقسام ترور کدام است؟

حکم فقهی هر قسمتی از اقسام ترور چیست؟

تعریف تروریسم

تعریف لغوی

ترور^(۱) در لغت به ترساندن و تروریسم^(۲) به ارباب و تهدید، ایجاد ترس و وحشت در مردم و تروریست^(۳) به طرفدار ارباب و تهدید، طرفدار حکومت زور، ارباب و تهدید، معنی شده است.^(۴)



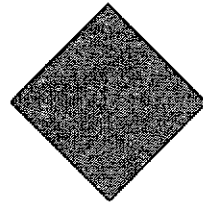
تعریف اصطلاحی

تاکنون تعریف جامعی از تروریسم - که مورد قبول همه کشورها باشد - نشده است. به همین جهت سازمان ملل در قطعنامه ۳۰۳۴ در تاریخ دوم نوامبر ۱۹۷۲م تحقیق و بررسی پیرامون تروریسم را ضروری دانست و در پی تصویب قطعنامه بالا، سه کمیته ایجاد شد:

- ۱- کمیته تعریف تروریسم؛
- ۲- کمیته موجبات تروریسم؛
- ۳- کمیته طرح تدابیری برای جلوگیری از تروریسم.

متأسفانه کار کمیته‌ها به علت اختلاف نظر کشورها به نتیجه مورد نظر نرسید. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا و به‌وجود آمدن اجماع جهانی در مبارزه با تروریسم، تلاش در جهت ارائه تعریفی جامع از تروریسم افزایش یافته و تعریف‌های گوناگونی از تروریسم ارائه شده است که این مقاله گنجایش طرح و بررسی یکایک آن تعریف‌ها را ندارد. ما برای رعایت اختصار نخست چند تعریف ارائه‌شده را نقل می‌کنیم و پس از جمع‌بندی آن‌ها حکم فقهی هریک را بیان خواهیم کرد.

قطعنامه ۱۹۷۲م تروریسم را چنین تعریف کرده است: «تلاش‌ها با هدف ایجاد تحولات در حکومت، اخلال در ارائه خدمات عمومی، مسموم ساختن روابط بین‌الملل، قتل رؤسای دولت‌ها یا نمایندگان حکومت‌ها، تخریب ابنیه، تسهیلات و ارتباطات عمومی، ایجاد آلودگی در غذا یا آب و تحریک بیماری‌های واگیر.»^(۵)

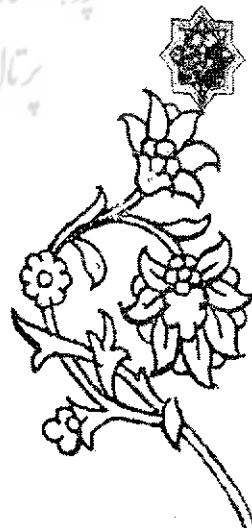


”

کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۲۴ مقررات مربوط به جرایم بین‌المللی، تروریسم را چنین تعریف کرده است:

«تروریسم عبارت است از روا دانستن اقداماتی که دارای یک ماهیت برای ایجاد وحشت در اذهان عامه و گروه‌های انسانی است.»

“



کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۲۴ مقررات مربوط به جرایم بین‌المللی، تروریسم را چنین تعریف کرده است:

«تروریسم عبارت است از روا دانستن اقداماتی که دارای یک ماهیت برای

ایجاد وحشت در اذهان عامه و گروه‌های انسانی است.»^(۱)

وزارت دفاع آمریکا، "کاربرد یا تهدید به کاربرد غیرقانونی زور یا خشونت توسط یک سازمان انقلابی، ضد اشخاص یا اموال و به قصد مجبور ساختن یا ارباب حکومت‌ها یا جوامع، که غالباً با اهداف سیاسی و ایدئولوژیک همراه باشد" را تروریسم دانسته است.^(۲)

یکی از حقوق‌دانان در تعریف تروریسم نوشته است: «طبق کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات تروریسم سازمان ملل، تروریسم به اعمال جنایتی اطلاق می‌شود که با هدف مقابله با نظام سیاسی کشورها و ایجاد رعب و وحشت در اشخاص یا گروه‌های معین یا عامه مردم، توسط گروه‌های تروریستی ارتکاب یافته می‌شود.»^(۳) در قطعنامه ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل درباره تعریف تروریسم چنین آمده است:

«فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیزی که گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف به‌اصطلاح سیاسی را میسر سازند.»^(۴) محمدحسین شاملو احمدی در این باره نوشته است:

«تروریسم مکتب خشونت و آدم‌کشی، به اعمال جنایتی اعمال می‌شود که با هدف مقابله با (نظام سیاسی) کشورها و ایجاد رعب و وحشت در اشخاص یا گروه‌های معین یا عامه مردم، توسط گروه‌های تروریستی ارتکاب یافته می‌شوند.»^(۵)

در ادامه در تعریف تروریست آمده است: «طبق بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی مصوب دسامبر ۱۹۹۷م مجمع عمومی، تروریست عبارت است از: آدم‌کش، قاتل، کسی که با توسل به اعمال جنایتکارانه به ایجاد رعب و وحشت در مردم یا اشخاص یا دسته‌جات معین می‌پردازد. هرگاه کسی عمداً و به طور غیرقانونی، یک وسیله انفجاری یا کشنده را در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی یا در تأسیسات زیربنایی، جاسازی، منفجر یا شلیک کند، تروریست محسوب می‌شود.»^(۶)

ولف، فیلسوف آمریکایی نوشته است:



«تروریسم عبارت است از به کار بردن غیرمشروع زور و خشونت برای رسیدن به اهداف خاصی. استفاده مشروع از قدرت و زور داخل در مفهوم ترور نیست.»^(۱۲)

در فرهنگ علوم سیاسی، تروریسم چنین تعریف شده است:

«ترور به معنی وحشت و ترس زیاد است. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق العاده اطلاق می شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب یا دولت به منظور نیل به هدف سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است.»^(۱۳)

تعریف هایی که ارائه شد، بخشی از تعریف هایی است که برای تروریسم انجام گرفته است. این تعریف ها را به سه بخش می توان تقسیم کرد:

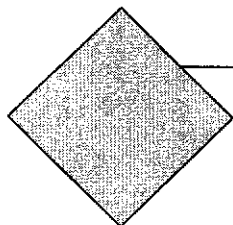
۱- تعریف فهرستی؛ بعضی به جای تعریف، تنها به ذکر تعدادی از موارد و مصادیق تروریسم بسنده کرده اند؛

۲- تعریف کلی؛ بعضی نیز به ارائه تعریف کلی از تروریسم پرداخته اند؛ مانند تعریف کمیسیون حقوق بین الملل یا تعریف وزارت دفاع آمریکا، تعریف قطعنامه ۱۹۸۴ م مجمع عمومی، تعریف شاملو؛

۳. تعریف ترکیبی؛ بعضی دیگر از تعریف ها ترکیبی از تعریف کلی و تعریف فهرستی است، مانند تعریفی که در معاهده ۱۹۲۷ م آمده است و نیز تعریفی که در بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بین المللی سرکوب بمب گذاری تروریستی آمده است. به لحاظ منطقی هیچ یک از تعریف ها جامع و مانع نیست و تصویری روشن و کامل از تروریسم ارائه نمی دهد. به نظر می رسد اگر تروریسم را به صورت زیر تعریف کنیم، تا حدی به واقعیت نزدیک تر خواهیم شد:



” به لحاظ حقوق بین‌الملل، مهم‌ترین سند بین‌المللی که دفاع مشروع را به عنوان حق طبیعی کشورها به رسمیت شناخته، منشور ملل متحد و به‌ویژه ماده ۵۱ فصل هفتم منشور است.“



تروریسم عبارت است از توسل به زور و اقدام‌های خشونت‌آمیز با انگیزه‌ها و اهداف سیاسی یا غیرسیاسی که به‌طور پراکنده و مخفیانه انجام می‌پذیرد، به گونه‌ای که عنوان دفاع مشروع بر آن قابل صدق نباشد.

اگر بخواهیم با استفاده از اصطلاحات منطقی تعریف بالا را تجزیه و تحلیل کنیم باید بگوییم: توسل به زور و اقدام‌های خشونت‌آمیز، جنس این تعریف است؛ زیرا بر تروریسم و هم بر دفاع مشروع و هم بر جنگ‌های تجاوزکارانه قابل صدق است. بقیه جمله‌ها در ادامه تعریف فصل تعریف است و وجوه تمایز تروریسم از مصادیق دیگر توسل به زور را بیان می‌کند. با جمله ”به طور پراکنده و مخفیانه“ جنگ‌های رسمی از تحت تعریف خارج می‌شود؛ زیرا جنگ‌ها به طور منظم و آشکار انجام می‌گیرد و با جمله ”عنوان دفاع مشروع بر آن قابل صدق نباشد“ دفاع مشروع از تحت تعریف خارج می‌شود. در بخش بعدی مقاله با دفاع مشروع و شرایط و ضوابط آن آشنا خواهیم شد.

تروریسم از نگاه فقه

چنان‌که گذشت، کشورهای مختلف، شخصیت‌های سیاسی، سازمان‌ها و گروه‌های بی‌شماری که در کشورهای مختلف و یا در عرصه بین‌المللی فعالیت می‌کنند، هرکدام به مقتضای عقاید، افکار و منافع خود، تعریف‌های مختلفی از تروریسم عرضه کرده‌اند و هرکدام طیف خاصی را مصداق تروریسم معرفی کرده‌اند. برای رسیدن به قضاوت مشترک و مورد قبول وجدان بشری باید روی اصول مشترک و مورد پذیرش همگان تکیه کرد.



در این جا دو اصل مشترک و مورد قبول وجدان بشری و حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی و فقه وجود دارد:

۱- دفاع مشروع مجاز و از حقوق طبیعی انسان است؛

۲- ترور اقدامی غیرانسانی و از نگاه وجدان بشری محکوم است.

مهم آن است که بتوانیم میان این دو اصل تمایز قایل بشویم. پرسش اصلی آن است که آیا معیار مورد قبول همگان برای تشخیص میان آن دو (تروریسم و دفاع مشروع) وجود دارد؟

دفاع مشروع

بسیاری از فیلسوفان^(۱۴) و حقوقدانان دفاع مشروع را به عنوان حق طبیعی هر انسانی معرفی کرده‌اند. مبانی و پایه‌های اصلی دفاع مشروع در قانون اساسی مطرح شده^(۱۵) و ضوابط قانونی و شرایط خاص دفاع مشروع در مواد ۶۱ به بعد مجازات اسلامی مصوب ۳۷۰ ش^(۱۶) و مواد ۹۲ به بعد قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ ش معین شده است.

به لحاظ حقوق بین‌الملل، مهم‌ترین سند بین‌المللی که دفاع مشروع را به عنوان حق طبیعی کشورها به رسمیت شناخته، منشور ملل متحد و به‌ویژه ماده ۵۱ فصل هفتم منشور است. به موجب این ماده، در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه هر عضوی از اعضای سازمان ملل، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌الملل را به عمل آورد، حق دفاع انفرادی یا دسته‌جمعی برای کشور مورد تهاجم وجود دارد.^(۱۷)

در فقه نیز دفاع مشروع به رسمیت شناخته شده است. محقق حلی نوشته است: «انسان حق دارد از جان، حریم و مالش تا آنجا که توان دارد، دفاع کند. و در این راه به آسان‌ترین روش‌ها باید تکیه کند. پس اگر با فریاد کشیدن دفاع محقق می‌شود به همان اکتفا کند (در صورتی که در مکانی باشد که با فریاد کمک کسی به کمکش آید) و اگر با فریاد دفاع نشود با دست دفاع کند و اگر دست کفایت نمی‌کند با عصا و اگر عصا کافی نیست با اسلحه می‌تواند دفاع کند. اگر متجاوز کشته یا مجروح شد، خونش هدر است چه آزاد باشد و چه بنده و اگر مدافع کشته شد، در حکم شهیدان است.»^(۱۸)

شهید ثانی نیز در دفاع، رعایت ترتیب از آسان به سخت را در دفع متجاوز لازم دانسته است.^(۱۹)



صاحب جواهر بر این باور است که نصوص مطلق است و در آن از تدریج و ترتیبی که فقیهان ذکر کرده‌اند، خبری نیست. از این رو، مدافع می‌تواند از سخت‌ترین وسایل دفاع در همان مراحل اولیه استفاده کند. وی در این باره نوشته است:

«مقتضای اطلاق نصوص آن است که در دفع متجاوز رعایت ترتیبی که فقیهان ذکر کرده‌اند، لازم نیست؛ به خصوص در دفع محارب و دزد.»^(۲۱)

دفاع مشروع در فقه به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱- دفاع فردی؛

۲- دفاع از سرزمین و حاکمیت.

آنچه گذشت مربوط به دفاع فردی بود، اما دفاع از سرزمین و حاکمیت یکی از شاخه‌های مهم جهاد است؛ زیرا جهاد به اجتهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم می‌شود و مشروعیت جهاد دفاعی در فقه اسلامی به قدری روشن است که نیازی به طرح و بررسی ندارد.^(۲۱)

معیار دفاع مشروع

انجام عمل دفاع مشروع، خواه در جهت دفاع از سرزمین و حاکمیت و خواه برای حفظ جان مال و ناموس، مشروط به داشتن شرایط و رعایت ضوابطی است. این شرایط و ضوابط در حقیقت برای تشخیص میان دفاع مشروع و اقدام‌های تروریستی و تجاوزکارانه در عرصه فردی، اجتماعی و بین‌المللی معیارند. در این قسمت مروری خواهیم داشت به این شرایط و ضوابط.

شرایط دفاع مشروع

الف: دفع تجاوز

یکی از شرایط اساسی استفاده از حق دفاع مشروع، وقوع تجاوز است؛ به این معنی که باید تجاوزی صورت گیرد تا به منظور مقابله با آن، استفاده از دفاع مشروع مجاز باشد. این شرط از شرایط مورد قبول جامعه جهانی است؛ ولی مشکل اصلی در این جا، تعریف تجاوز و تعیین حدود و ثغور آن است. همان‌طور که کمیسیون مشورتی دائمی جامعه ملل در سال ۱۹۲۳ م اظهار داشت:



«در شرایط جنگ مدرن بسیار ناممکن به نظر می‌رسد که حتی در تئوری

بتوان تعیین کرد چه چیزی یک مورد تجاوز را تشکیل می‌دهد.»^(۲۲)

جامعه بین‌الملل سالیان متمادی تلاش کرد که به تعریف مشترکی از تجاوز دست یابد. با مرور بر این کوشش‌ها می‌توان آن‌ها را به پنج دسته تقسیم کرد:

۱- تعریف آیین‌نامه‌ای؛ مطابق این تعریف هر دولتی که از این شیوه اطاعت نکند، متجاوز است؛^(۲۳)

۲- تعریف کلی؛ طبق این تعریف، تهدید یا کاربرد زور توسط یک حکومت یا دولت علیه دولت دیگر به هر شیوه با هر نوع تسلیحات به کاررفته، علنی یا هرطور دیگر و به هر دلیل یا حرفی غیر از دفاع مشروع فردی یا جمعی و یا پیروی از تصمیم یا توصیه یک ارگان صالح سازمان ملل، تجاوز محسوب می‌شود؛^(۲۴)

۳- تعریف فهرستی؛ به ذکر فهرستی از مصادیق تجاوز اکتفا شده است؛^(۲۵)

۴- تعریف ترکیبی؛ که مرکب از تعریف کلی و فهرستی است؛^(۲۶)

۵- تعریف رویه قضایی؛ طبق این تعریف سازمان‌های بین‌المللی صالح، تجاوز را

” از نگاه فقه شیعه، توسل به زور در دفاع مشروع در صورتی مجاز است که راهی جز توسل به زور برای دفع تجاوز وجود نداشته باشد.“

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تشخیص می‌دهند.^(۲۷)

در فقه نیز تجاوز به عنوان شرطی از شرایط دفاع مشروع ذکر شده است. مرحوم کاشف‌الغطاء جهاد را به پنج قسم تقسیم کرده که چهار قسم آن را جهاد دفاعی تشکیل می‌دهد^(۲۸) و در بخش دفاع فردی نیز توسل به زور را برای دفع تجاوز به جان، ناموس و مال لازم می‌شمارد.^(۲۹) در تمام موارد بالا وجود تجاوز به عنوان شرطی از شرایط دفاع مشروع مفروض گرفته شده است.



ب: ضرورت توسل به زور

یکی از شرایط استفاده از حق دفاع مشروع، آن است که راهی جز توسل به زور وجود نداشته باشد.^(۳۰) چنان‌که گذشت از نگاه فقه شیعه، توسل به زور در دفاع مشروع در صورتی مجاز است که راهی جز توسل به زور برای دفع تجاوز وجود نداشته باشد. بنابراین، اگر با فرار از چنگ متجاوز، با فریاد و... دفع تجاوز ممکن باشد، مدافع حق ندارد به زور و اقدامات خشونت‌آمیز متوسل شود.^(۳۱)



توروریسم؛ با اهداف سیاسی



ج: تناسب

یکی دیگر از شرایط دفاع مشروع حفظ تعادل و تناسب است؛ یعنی اقداماتی که در جهت دفاع صورت می‌گیرد، هم به لحاظ کمیت و هم به لحاظ کیفیت با دفع تجاوز متناسب باشد. در حقوق داخلی،^(۳۲) حقوق بین‌الملل،^(۳۳) و فقه روی این موضوع تأکید شده است.

شهید ثانی در این باره نوشته است:

«اگر متجاوز از تجاوز خودداری کرد، مدافع نیز باید دست از او بردارد و اگر تجاوز را شروع کرد، دفاع را شروع کند. بنابراین، هنگامی که متجاوز رو به مدافع کرده و حمله می‌کند، دستش را قطع کند، ولی به هنگامی که پشت کرده پایش را قطع کند و در نتیجه متجاوز بمیرد، مدافع ضامن نصف قصاص یا دیه است. و اگر دوباره متجاوز برگردد و مدافع عضو دیگری را قطع کند، ضامن به ثلث تنزل می‌کند.»^(۳۴)

عبارت بالا به خوبی نشان می‌دهد که از نگاه فقه، در دفاع مشروع، توسل به زور و خشونت فقط در حد دفع تجاوز مجاز است و بیش از آن، خود مصداق ظلم و تجاوز است. عده‌ای از فقیهان به این اصل تکیه کرده‌اند.^(۳۵)

نتیجه‌گیری

از مباحث پیشین نتیجه‌های زیر به دست می‌آید:

۱- دفاع مشروع حق طبیعی انسان‌هاست و از نگاه فقه و حقوق مجاز شمرده شده است؛

۲- دفاع مشروع مشروط به شرایطی است که تنها در صورت رعایت آن شرایط مجاز است و گرنه خود نوعی تجاوز و ظلم محسوب می‌شود.

این شرایط عبارت‌اند از:

الف: وقوع تجاوز؛ دفاع مشروع تنها در صورت وقوع تجاوز معنی پیدا می‌کند و انسان مجاز است برای دفع تجاوز به زور و خشونت متوسل شود، اعم از این که این تجاوز به جان، ناموس یا مال فرد باشد یا به جامعه و یا به سرزمین و حاکمیت یک کشور؛

ب: ضرورت توسل به زور؛ یعنی هیچ راهی جز توسل به زور برای دفع تجاوز نباشد؛



ج: تناسب؛ یعنی دفاع مشروع به لحاظ کمی و کیفی با دفع تجاوز متناسب باشد. بنابراین، شخص حق ندارد به بهانه دفع تجاوز به هرگونه اقدام خشونت‌آمیز دست بزند.

مصادقات‌های تروریسم و احکام فقهی آن

از مباحث گذشته روشن شد که توسل به زور و اقدام‌های خشونت‌آمیز، تنها در مورد دفاع مشروع و دفع تجاوز، آن‌هم محدود به رعایت شرایط و ضوابطی خاص مجاز شمرده شده است. بنابراین، هرگونه اقدام خشونت‌آمیز و توسل به زور در خارج از چارچوب دفاع مشروع و حتی در موارد دفع تجاوز ولی بدون رعایت شرایط دفاع مشروع انجام بگیرد، از نگاه فقه و حقوق محکوم است. خواه بر این‌گونه اقدام‌ها عنوان ترور صادق باشد، یا عنوان جنگ و یا هر عنوان دیگری.

در این‌جا دیدگاه فقه را نسبت به اقدام‌های خشونت‌آمیزی که در خارج از چارچوب دفاع مشروع انجام می‌گیرد، بیان خواهیم کرد. از آن‌جا که ترور طیف وسیعی از اقدام‌های خشونت‌آمیز را تحت پوشش دارد، از این رو، لازم است موارد توسل به زور به تفکیک مورد بحث قرار گیرد و حکم فقهی هریک جداگانه بررسی شود.

۱- اقدام‌های تروریستی با اهداف غیرسیاسی

حکم فقهی این نوع از خشونت‌ها و اقدام‌های تروریستی روشن است؛ زیرا کسانی که با اهداف غیرسیاسی به روی مردم اسلحه بکشند و با ایجاد رعب و وحشت، امنیت جامعه را برهم زنند، مصادقات محارب و مفسد فی‌الارض‌اند و در قرآن و به پیروی از آن، در فقه، حکم این افراد به‌صراحت بیان شده است. برای روشن‌تر شدن بحث لازم است نخست معنی محارب و مفسد فی‌الارض از نگاه فقهی را مورد توجه قرار دهیم تا روشن شود که این نوع از خشونت مصادقات محارب است یا نه؟

تعریف محارب^(۳۶)

محارب از ریشه "حرب" نقیض "سلم" است. زبیدی نوشته است: «حرب در برابر سلم است و این دو واژه نقیض یکدیگرند.» از این رو، به "قتال"، "حرب" گفته می‌شود. بر



اساس تحقیق سهیلی حقیقت معنی واژه "حرب" عبارت است از: تیراندازی دوجانبه به خدنگ، پرتاب نیزه به سوی یکدیگر، تاختن با شمشیر بر یکدیگر، گلاویز شدن و کشتی گرفتن...^(۳۷)

"حرب" که ریشه محاربه است در شش آیه قرآن به کار رفته است^(۳۸) که در تمام این موارد به معنی خشونت رویارویی و مقاومت قهرآمیز و مسلحانه در برابر خدا و رسول است.

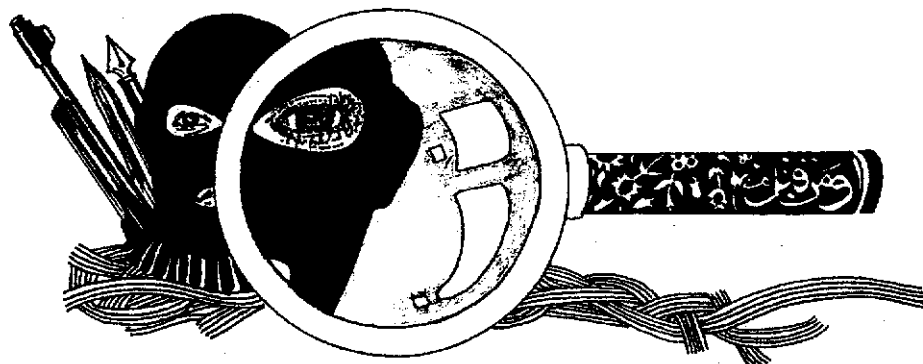
تعریف اصطلاحی محارب

از نگاه فقیهان محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح بکشد، چه در خشکی و چه در دریا، چه شب و چه روز، چه در شهر و چه در بیرون شهر. فقیهان بزرگوار در تعریف محارب اتفاق نظر دارند.

محقق در شرایع نوشته است:

«محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح بکشد، چه در خشکی و چه در دریا، چه شب، چه روز، چه در شهر و چه در بیرون از شهر... این حکم برای مرد و زن - اگر پیش بیاید - یکسان است. در ثبوت این حکم برای کسی که سلاح کشیده باشد ولی توانایی ترساندن مردم را نداشته باشد، تردید است. شبیه تر به واقع آن است که حکم مذکور در حق چنین کسی نیز ثابت باشد ولو به خاطر قصدش مجازات شود.»^(۳۹)

پیش از محقق، شیخ مفید^(۴۰)، شیخ طوسی^(۴۱)، راوندی^(۴۲)، ابن ادریس^(۴۳)، ابن حمزه^(۴۴) و... همین تعریف را از محارب ارائه داده‌اند. علامه حلی در



تبصره المتعلمین^(۴۵) و تحریر الاحکام^(۴۶)، الارشاد^(۴۷) و قواعد الاحکام^(۴۸) و فرزند بزرگوارش فخرالمحققین^(۴۹) در کتاب ایضاح، شهید اول^(۵۰) در دروس، شهید ثانی در روضه^(۵۱)، شیخ حسن نجفی در جواهر الکلام^(۵۲). همین تعریف را تأیید کرده‌اند.

امام خمینی - قدس سره - در تحریر الوسیله نوشته است:

«محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم و به منظور ایجاد

فساد در زمین، چه در خشکی و چه در دریا، چه در شهر و چه در بیرون از

شهر، چه شب و چه روز برهنه یا آماده کند.»^(۵۳)

چنان‌که مشاهده می‌شود، فقیهان در تعریف‌هایی که از محارب ارائه داده‌اند، هم به رکن مادی و هم به رکن معنوی جرم محاربه توجه کرده‌اند و در رکن مادی سه موضوع زیر را طرح کرده‌اند:

یک: عمل مادی؛ مانند داشتن سلاح، تجربه سلاح و دست بردن به آن را شرط

کرده‌اند؛

دو: شرایط و اوضاع و احوال؛ در این موضوع تصریح کرده‌اند که زمان و مکان در تحقق

جرم هیچ تأثیری ندارد؛

سه: نتیجه عمل محاربه؛ در این موضوع اشاره کرده‌اند که جرم محاربه جرم مطلق

است و حصول نتیجه در تحقق عنوان محاربه تأثیری ندارد. از این رو، شهید ثانی نوشته

است: «محاربه عبارت است از برهنه کردن سلاح برای ترساندن مردم... چه توانا باشد و

چه ناتوان باشد.»^(۵۴)

چهار: در قسمت رکن معنوی جرم، قصد اخافه (ترساندن مردم) در تعریف مفروض

گرفته شده است.^(۵۵)

در قانون مجازات اسلامی ماده ۱۸۳ نیز محارب به همان نحوی تعریف شده است که

فقیهان تعریف کرده‌اند. بنگرید:

«هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، دست به

اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض است.»

محارب در سنت

در روایات به عنوان‌ها و موضوع‌های متعددی، عنوان محارب یا حکم آن یاد شده است که همه آن عنوان‌ها از مصداق‌های روشن خشونت برای اهداف غیرسیاسی محسوب



می‌شوند؛ از قبیل: دزد، کسی که شبانگاه سلاح بگیرد، هر که شمشیر (یا اسلحه) کشد، راهزنان، ترساننده رهگذران، هر که کسی را بزند و لباسش را بستاند (سلب)، هر که با سلاح اقدام به تهدید کند، کسی که خانه‌ای را به آتش کشد و... این روایات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف: دسته‌ای از روایات دلالت دارند محارب کسی است که با استفاده از سلاح مرتکب جرم دیگری مانند آدم‌کشی و دزدی و... شده باشد؛ مانند: صحیحه محمد بن مسلم که از امام باقر - علیه‌السلام - چنین نقل کرده است:

«کسی که در شهری اسلحه بکشد و کسی را زخمی کند، قصاص شود و از آن شهر تبعید شود. کسی که در شهری اسلحه بکشد و کسی را بزند و زخمی کند و مال بستاند ولی کسی را نکشد محارب است و مثل محارب مجازات شود...»^(۵۶)

ب: روایاتی که صرف اسلحه کشیدن را حتی اگر مرتکب جرم دیگری نشده باشد، مصداق محارب معرفی کرده است؛ مانند: معتبره ضریس، که امام باقر - علیه‌السلام - که فرمود: «کسی که شبانگاه اسلحه بردارد، محارب است؛ مگر این که از اهل ریه و فساد نباشد.»^(۵۷)

روایت عبید بن بشر خثعمی از امام صادق - علیه‌السلام -^(۵۸) و روایت عبیدالله بن مدائنی از امام رضا - علیه‌السلام - نیز بر این مطلب دلالت دارد.^(۵۹)

ج: از دسته دیگری از روایات استفاده می‌شود که محارب کسی است که با اقدامات خشونت‌آمیز خود امنیت را از بین ببرد و جامعه را به ترس و وحشت بیندازد؛ مانند روایت عیاشی از امام جواد - علیه‌السلام - که از اسلحه‌کشی سخنی به میان نیامده و تنها به ذکر ترساندن بسنده کرده است.^(۶۰)

از جمع‌بندی آیات و روایات استفاده می‌شود که این شاخه از تروریسم یعنی استفاده از خشونت با اهداف غیرسیاسی از مصداق‌های محارب است و مجازات آن همان مجازاتی است که در مسأله محارب در قرآن و سنت آشکارا بیان شده است. در این جا به نقل آیه کریمه اکتفا می‌کنیم.

﴿انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او

یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلك لهم خزی

فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم﴾^(۶۱)



«کیفر آنان که با خدا و رسول او به محاربه برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آنان را به قتل رسانده یا به دار آویزند، یا دست و پایشان را به خلاف ببرند (دست راست را با پای چپ یا بالعکس) یا نفی بلد و تبعید کنند. این خواری عذاب دنیای آنان است و در آخرت باز به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.»

۲. اقدامات تروریستی با اهداف سیاسی

استفاده از خشونت برای اهداف سیاسی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف: اقدامات تروریستی علیه مردم

فرد یا گروه و سازمانی که با اهداف سیاسی، به‌طور مستقیم جان، مال، آبروی مردم بی‌گناه، زنان و کودکان و... را مورد حمله قرار دهند، این‌گونه اقدامات با هر هدفی که سازمان‌دهی شود از نگاه وجدان بشری محکوم است و مصداق تروریسم محسوب می‌شود. در اسلام حتی در دفاع مشروع، کشتن افراد بی‌گناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان، کودکان، تخریب جنگل‌ها، درختان، آلوده کردن آب‌ها، تعرض به ناموس مردم و پرده‌داری مجاز شمرده نشده است. در کتاب‌های حدیثی و تاریخی به ممنوع بودن این‌گونه اقدامات غیرانسانی حتی در دفاع‌های مشروع تصریح شده است. در این‌جا به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم - هنگامی که می‌خواست سپاهی را برای جنگ اعزام کند. آنان را فرامی‌خواند و در برابرشان می‌نشست و می‌فرمود: «با نام خدا و برای خدا و در راه خدا سفر را آغاز کنید، نیرنگ و حقه نزنید، مثله نکنید، سالخوردگان، کودکان و زنان را نکشید، درختی را نبرید مگر مجبور شوید.»^(۱۲)

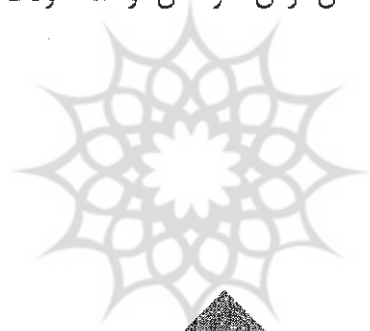
امام صادق از امام علی علیه‌السلام نقل کرده است که پیامبر صلی‌الله علیه و آله - از ریختن سم (استفاده از سلاح شیمیایی) در سرزمین مشرکان نهی کرد.^(۱۳)

حضرت علی علیه‌السلام در جنگ صفین به نیروهای خویش چنین سفارش کرد:



«هرگز با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنان آغاز کنند، فراریان را نکشید، بر زخمیان متازید، هتک حرمت و عورت نکنید، از مثله کردن بپرهیزید، وارد خانه‌های آنان مشوید، بر زنان حمله نکنید و به کسی دشنام ندهید.»^(۶۴)

همچنین آن حضرت یاران خود را از تعرض به خانواده و کودکان^(۶۵) برحذر می‌داشت، از پرده‌داری، برداشتن اموال دشمن،^(۶۶) ستم به کشاورزان،^(۶۷) اسارت گرفتن کودکان،^(۶۸) تاختن بر زخمیان،^(۶۹) تصرف چهارپایان، محروم کردن از آب آشامیدنی^(۷۰) برحذر می‌داشت. همچنین از جمله سفارش‌های پیامبر به سپاهیان این بوده است: «صومعه‌نشینان (عبادت‌کنندگان خدا) را نکشید،^(۷۱) بازرگانان مشرکان را نیازارید،^(۷۲) فرستادگان و گروگان‌ها را نکشید،^(۷۳) آن‌که در خانه را به روی خود بیندد مصون است.»^(۷۴) همچنین از کشتن افراد زمین‌گیر، نوجوان، خدمت‌کاران و اجیران در جنگ‌ها نهی می‌کرد.^(۷۵) نیز از آتش زدن درختان و محصولات کشاورزی به شدت منع می‌کرد.^(۷۶)



” هر گروهی و کشوری بر اساس عقیده، اندیشه و منافع خود درباره آن‌ها قضاوت می‌کند؛ تعدادی آن‌ها را تروریست و فعالیت آنان را اقدامات تروریستی معرفی می‌کنند و تعدادی، آنان را مبارز در راه آزادی و اقدامات آنان را دفاع مشروع قلمداد می‌کنند.“



ب: اقدامات تروریستی علیه حکومت‌ها

تاکنون روشن شد که هر نوع اقدام خشونت‌آمیز که به‌طور مستقیم جان و مال و آبروی مردم بی‌گناه، زنان و کودکان را مورد تعرض و حمله قرار دهد با هر هدف و انگیزه‌ای که باشد، اقدامی تروریستی است و از نگاه وجدان بشری و فقه اسلامی محکوم است. اینک بحث درباره آن قسمت از اقدامات خشونت‌آمیز است که با اهداف سیاسی و برای براندازی حکومتی یا صدمه زدن به آن یا حفظ آن انجام می‌گیرد. در این‌گونه عملیات خشونت‌آمیز نوک پیکان حمله به سمت دشمن است، ولی در این میان جان و مال عده‌ای افراد بی‌گناه نیز مورد تعرض قرار می‌گیرد.

این قسمت از اقدامات خشونت‌آمیز از موارد اختلاف گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورهای مختلف است. هر گروهی و کشوری بر اساس عقیده، اندیشه و منافع خود درباره آن‌ها قضاوت می‌کند؛ تعدادی آن‌ها را تروریسم و فعالیت آنان را اقدامات تروریستی معرفی می‌کنند و تعدادی، آنان را مبارز در راه آزادی و اقدامات آنان را دفاع مشروع قلمداد



می‌کنند.

پیشتر درباره دفاع مشروع و معیارهای تشخیص اقدامات تروریستی از دفاع مشروع به تفصیل سخن گفتیم و اینک سخن در آن دسته از اقدامات خشونت‌آمیزی است که افراد، گروه‌ها و یا حکومت‌ها با انگیزه‌های سیاسی و در خارج از چارچوب شرایط و ضوابط دفاع مشروع بر حکومتی تحمیل می‌کنند. این‌گونه اقدامات از نگاه فقه اسلامی محکوم است و کسانی که به این قبیل اقدامات خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند، به عنوان «یاغی و بغاه» معرفی شده‌اند. بنابراین، این دسته از اقدامات تروریستی از نگاه فقه از مصداق‌های «بغاه» است.

شیخ طوسی در تعریف «بغاه» نوشته است:

«هر کس که بر امام عادل (حکومت مشروع) خروج کند و بیعت‌اش را بشکند و با دستورهای حاکم مخالفت کند، یاغی است و بر حاکم جایز است با او مبارزه کند.»^(۷۷)

سیدمرتضی^(۷۸)، ابن‌براج^(۷۹)، راوندی^(۸۰)، ابن‌حمزه^(۸۱)، کیدری^(۸۲)، ابن‌ادریس^(۸۳)، محقق حلی^(۸۴)، یحیی بن سعید حلی^(۸۵)، علامه حلی^(۸۶)، شهید اول^(۸۷) نیز تعریف‌هایی مشابه آنچه از شیخ نقل شد، ارائه داده‌اند. واژه بغی، یاغی و بغاه از آیه ۹ سوره حجرات گرفته شده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا الی تبغی حتی تنفی الی امرأ الله فان فائت فاصلحوا بینهما بالعدل واقسطوا ان الله یحب المقسطین﴾^(۸۸)

«اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر (باز) یکی از آن دو، بر دیگری تعدی کرد، با آن (طایفه‌ای) که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست دارد.»

خداوند متعال تکلیف‌های مؤمنان در قبال اختلاف‌های داخلی مسلمانان را در امور

زیر معرفی می‌کند:

الف: سازش دادن، میان طرف‌های درگیر؛

ب: پیکار با متجاوزان؛

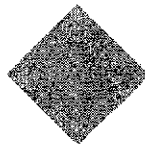
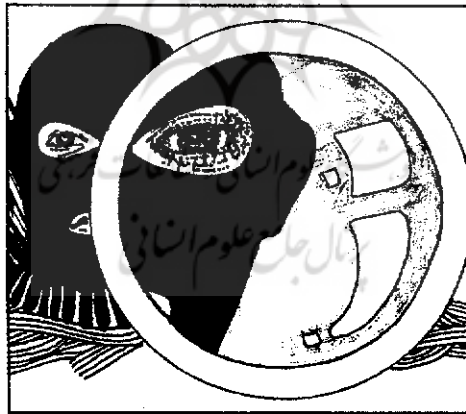


ج: به هم آمیختن اصلاح با داوری عادلانه.

آیه درباره نزع مؤمنان با یکدیگر است. خداوند متعال در آیه بالا می‌فرماید اگر عده‌ای از مؤمنان بر دیگری تعدی و تجاوز کند، با آن‌که تعدی می‌کند و یاغی است، بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد.

فقیهان کسانی را که بر حکومت مشروع و امام عادل خروج و تعدی کند و دست به اقدامات تروریستی بزنند، تعدی بر مؤمنان دانسته و آنان را هم یاغی معرفی کرده‌اند. مرحوم کاشف‌الغطاء نوشته است:

«هر کسی که بر امام - علیه‌السلام - یا نایب عام یا خاص او تعدی کند و از اطاعتش سرپیچی کند، داخل در "بغاه" و جزو آنان شمرده می‌شود.»^(۸۹)



1. Terror
2. Terrorism
3. Terrorist

۴. دکتر عباس آریانپور، فرهنگ کامل انگلیسی، فارسی، ج ۵، ص ۵۷۰۹؛ مصطفی مصباح دیاره، الارهاب، منشورات جامعه بنغازی، لیبی، الطبعه الاولى ۱۹۹۰م، ص ۴۴؛ علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، ۱۳۷۹ش، ص ۵۶۳؛ محمدحسین شاملو احمدی، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، اصفهان، نشر دادیار، ج ۱، ص ۱۳۰.

5. Dona. M. Schlagheck, op. cit, p. 120.

6. U.N.GADR/ 46th Sess. Sup. mo. 10 at 238-240 un. Doc. A/46/10 "1991".

۸. فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ص ۱۳۱.
۹. آندرو بوسا، بزهکاری بین‌المللی، ترجمه نگار رخشانی، انتشارات گنج دانش، ص ۲۰.
۱۰. فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ج ۱، ص ۱۳۸۰.
۱۱. همان.
۱۲. الارهاب، ص ۴۴.
۱۳. فرهنگ علوم سیاسی، ص ۵۸۴.
۱۴. ر.ک: ژرژ دل وکیو؛ تاریخ فلسفه حقوق، ترجمه دکتر جواد واحدی، ص ۶۸؛ ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۹۲.
۱۵. ر.ک به اصول ۱۹، ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۴۷ قانون اساسی.
۱۶. ماده ۶۱ مجازات اسلامی؛ هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی یا خطی قریب‌الوقوع، عملی انجام دهد که جرم باشد، در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود: الف) دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد؛ ب) عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد؛ ج) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد.
۱۷. ماده ۵۱ منشور: در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات منشور به حق طبیعی دفاع مشروع خواه فردی یا دسته‌جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد... علی‌اکبر خسروی، حقوق بین‌الملل و دفاع مشروع، موسسه فرهنگی آفرینه، ۱۳۷۳ش، ص ۱۳۳.
۱۸. شرایع‌الاسلام، دارالهدی، ج ۱-۴، ص ۹۶۶.
۱۹. الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، بیروت، دارالعالم الاسلامی، ج ۹، ص ۲۴۸.
۲۰. جواهرالکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴۱، ص ۶۵۱.
۲۱. شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، کشف‌الغطاء، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ج ۴، ص ۲۸۸.
۲۲. فریده محمدعلی‌پور، دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۷۹، ص ۵۵.



۲۳. مانند قطعنامه ۳۷۸ مجمع عمومی در سال ۱۹۵۰م با عنوان وظایف دولت‌ها در صورت بروز مخاصمات.

۲۴. ماده ۱ قطعنامه تعریف تجاوز. قطعنامه شماره ۲۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴م این قطعنامه در ۸ ماده به تعریف تجاوز، شناسایی متجاوز، انواع تجاوز، آثار تجاوز پرداخته است.

۲۵. نمونه معروف آن طرح اتحاد جماهیر شوروی در کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۳۳م است.

۲۶. مانند طرح‌هایی که سومین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌المللی در سال ۱۹۵۱ ارائه داد.

۲۷. مانند حمله ایتالیا به حبشه یا حمله شوروی به فنلاند، دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، ص ۵۷.

۲۸. کشف الغطاء، ج ۴، ص ۲۸۸.

۲۹. کشف الغطاء، ج ۴، ص ۲۹۲.

۳۰. محمد شفیع، بررسی مشروعیت دخالت‌های نظامی بشر دوستانه از نگاه حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، شماره ۲۰، ص ۳۷۱؛

۳۱. شرایع الاسلام، ج ۱-۴، ص ۹۶۶.

۳۲. در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی آمده است: شرایط دفاع مشروع آن است که: یک) دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد؛ دو) عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد...

33. ICJ. Reports, 1996, Para. 30.

به نقل از دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، ص ۱۰۰.

۳۴. الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، ج ۹، ص ۲۵۰.

۳۵. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۵۶؛ شرایع الاسلام، ج ۱-۴، ص ۹۶۷.

۳۶. بحث مفصل درباره محاربه و احکام فقهی و فروعی مربوط به آن به مقاله مستقل و مفصلی نیاز دارد و این نوشتار گنجایش طرح همه آن مباحث را ندارد؛ لذا به مقدار نیاز و در حد روشن شدن موضوع به این موضوع خواهیم پرداخت.

۳۷. تاج العروس، ج ۱، ص ۲۰۴؛ لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۹۹؛ القاموس المحیط، بیروت، دار الجیل، ج ۱، ص ۵۴؛ معجم مفردات الفاظ القرآن، المكتبة المرتضویة، ص ۱۱۰.

۳۸. سوره مائده (۵) آیه ۳۳ و ۶۴؛ سوره بقره (۲) آیات ۲۷۸، ۲۷۹؛ سوره انفال (۸) آیات ۵۷ و ۵۸؛ سوره توبه (۹) آیه ۱۰۷؛ سوره محمد (۴۷) آیه ۴.

۳۹. شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۱۸۰.

۴۰. المقننه، ص ۸۰۴.

۴۱. المبسوط، ج ۸، ص ۴۷؛ کتاب الخلاف، دار الکتب العلمیة، ج ۳، ص ۲۰۹.

۴۲. فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۷۸.

۴۳. السرائر، ج ۳، ص ۵۰۵.

۴۴. الوسیله، ص ۲۰۶.

۴۵. تبصره المتعلمین، ص ۱۹۰.

۴۶. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۳۲۲.

۴۷. الارشاد، ج ۲، ص ۱۸۵.

۴۸. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۷۲.



۴۹. ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۵۴۲.
۵۰. الدروس الشرعیه، ج ۲، ص ۵۹.
۵۱. الروضه البهیة، ج ۹، ص ۲۹۰.
۵۲. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۶۴.
۵۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۴۲.
۵۴. الروضه البهیة، ج ۹، ص ۲۹۰.
۵۵. شرایع الاسلام، بیروت، دار الأضواء، ج ۴، ص ۱۸۰؛ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۶.
۵۶. عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام- قال: "من شهر السلاح فی مصر من الامصار فعفر افتص منه و نفی من تلك البلد، و من شهر السلاح فی مصر من الامصار و ضرب و عقر و اخذ المال و لم یقتل فهو محارب فجزائه جزء المحارب..." وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳۲.
۵۷. عن ضدیس، عن ابی جعفر علیه السلام- قال: "من حمل السلاح باللیل فهو محارب آنا ان یکون رجلاً لیس من اهل الریبه." وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳۷.
۵۸. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳۴.
۵۹. همان، ج ۱۸، ص ۵۳۴.
۶۰. همان، ج ۱۸، ص ۵۳۵.
۶۱. سوره مائده (۵) آیه ۳۳. در آیه شریفه دو عنوان آمده است: "محارب" و "مفسد". آیا این دو عنوان مستقل از یکدیگرند یا نه، مورد بحث و گفت‌وگوی فراوان هم در میان مفسران و هم در میان فقیهان است.
۶۲. عن ابی عبدالله علیه السلام- قال: "کان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا اراد ان یبعث سربیه دعاهم فاجلسهم بین یدیه ثم یقول: سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله، لاتغلو و لاتتملوا و لاتغدروا؛ و لاتقتلوا شیخاً فاینما و لا صبیاً و لا امرأه و لا تقطعوا شجراً آنا ان تضطروا الیها." الفروع من الکافی، بیروت، دار صعب، ج ۵، ص ۲۷.
۶۳. "نهی رسول الله ان ینلقی السم فی بلاد المشرکین." همان.
۶۴. "لا تموا القوم بقتال حتی یدوکم، و لا تقتلوا مدبراً، و لا تجهزوا علی صریح و لا اتھنکوا عوره و لا تمثلوا و لا تدخلوا رجال القوم و لا تهیجوا امرأه و لا تسبوا احداً." تذکره الخواص، ص ۹۱.
۶۵. المناقب، ابن شهر آشوب.
۶۶. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۹۳.
۶۷. بحار الانوار، بیروت، ج ۹۷، ص ۳۳.
۶۸. الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۱۲.
۶۹. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۲۸۲.
۷۰. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۰.
۷۱. سنن بیهقی، ج ۹، ص ۹۰.
۷۲. همان.
۷۳. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۱.
۷۴. فتوح البلدان، ص ۵۳.
۷۵. المصنف، ج ۵، ص ۲۰۰.



۷۶. سنن النبی، ص ۸۵.
۷۷. النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، ج ۹، ص ۵۳.
۷۸. الانتصار، ص ۱۹، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۷۹. المذهب، ص ۱۰۱، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۰. فقه القرآن، ص ۱۳۷، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۱. الوسیله، ص ۱۶۳، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۲. اصباح‌الشیعه، ص ۱۶۹، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۳. السرائر، ص ۱۸۳، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۴. شرایع‌الاسلام، ص ۲۱۶، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۵. الجامع للشرایع، ص ۲۳۸، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۶. قواعد‌الاحکام، ص ۲۴۵، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۷. اللمعه‌الدمشقیه، ص ۲۷۵، به نقل از: مجموعه سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۹.
۸۸. سوره حجرات (۴۹) آیه ۹.
۸۹. کشف‌الغطاء، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۴، ص ۳۶۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

